

حقوق اساسی

نوشته

دکتر قاسم قاسم زاده

استاد فقید دانشکده حقوق دانشگاه تهران

تصحیح، تحشیه و پیش گفتار

دکتر علی اکبر کرجی ازدریانی

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

انذات بخ

سرشناسه : قاسم‌زاده، قاسم، ۱۳۶۷ - ۱۳۳۸.
 عنوان و نام پدیدآور : حقوق اساسی / نوشته: قاسم قاسم‌زاده؛
 تصحیح، تحشیه و پیشگفتار: علی‌اکبر گرجی‌ازندریانی.
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۵۸۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۱۴-۶
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : حقوق اساسی
 موضوع : حقوق اساسی - - ایران - - تاریخ
 موضوع : حقوق اساسی - - ایران
 موضوع : حقوق اساسی - - تاریخ
 موضوع : دولت
 شناسه افزوده : گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر، ۱۳۵۲ -، مصحح، مقدمه‌نویس
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ح۷ ق۳/ک۲۱۶۵
 رده‌بندی دیویی : ۳۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۵۱۱۶



عنوان کتاب: حقوق اساسی
 نوشته: دکتر قاسم قاسم‌زاده
 تصحیح، تحشیه و پیشگفتار: دکتر علی‌اکبر گرجی‌ازندریانی
 ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
 ناظر فنی: امین لشکری
 نوبت و سال چاپ: اول از ناشر، ۱۳۹۰
 قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال با جلد نفیس
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۱۴-۶

email://Info@junglepup.org
 http:// www.junglepup.org

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹، ۶۶۴۸۲۸۳۰
 ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷، ۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

گریز از انقطاع تاریخی

پیش‌گفتار دکتر علی‌اکبر گرجی آن‌ندریانی

سیاست و حقوق را می‌توان در تمام زوایای زندگی آدمیان رصد نمود. حتی خصوصی‌ترین عرصه‌ها نیز بی‌نصیب از تشعشعات سیاست نیست. به عنوان مثال، زندگی زناشویی (وضع مقررات مربوط به ثبت ازدواج و طلاق)، معاشرت‌های خانوادگی، انعقاد قراردادها و ... همگی در پرتو مبارک یا نامبارک سیاست قرار می‌گیرند. میمنت یا نامیمونی تشعشعات سیاست در عرصه‌های گوناگون بستگی به عوامل مختلفی دارد. عقلانیت، سودمندی و مشروعیت این مداخلات سنجه‌های مهم پذیرش یا عدم پذیرش آنهاست. اما مهم‌تر از همه این سنجه‌ها حقوقی بودن سیاست است. هرگاه مداخله سیاست در حوزه‌های مختلف زندگی فاقد مجوز حقوقی باشد حقانیت آن زیر سؤال خواهد رفت. بنابراین حقوقی کردن^۱ و حقوقی دیدن سیاست از ابزارهای اعطای حقانیت به آن است. به دیگر سخن، حقوقی کردن سیاست یعنی متمدن کردن آن، یعنی مانع از سیاسی کردن حقوق^۲ و دیگر جنبه‌های علم و زندگی، یعنی ایجاد قواعدی برای تنظیم شیوه حضور سیاست در جامعه نقش بنیادین حقوق جلوگیری از حضور عریان و وحشیانه قدرت در عرصه‌های گوناگون جامعه است. حقوق اساسی نیز به طریق اولی، از همین روزه تولد می‌یابد.

گرچه حقوق در معنای عام آن (حقوق مدنی، کیفری، بین‌الملل، مالی و ...) هم به قاعده‌گذاری پرداخته و به نحوی رفتار نامنظم قدرت سیاسی را سامانی خردمندانه می‌بخشد، اما طلایه‌دار این پیکار، حقوق عمومی و بویژه حقوق اساسی است. به‌طور کلی، حقوق عمومی به بررسی و مطالعه کلیه قواعد حقوقی مربوط به سازمان و فعالیت‌های دولت

1- Juridicisation de la politique

2- Politisation du droit

و ارتباط آن با شهروندان می‌پردازد^۱ و کار ویژه و مأموریت اصلی حقوق اساسی نیز «چهار چوب‌بندی حقوقی پدیده‌های سیاسی است».

در گذشته عادت بر این بود که به تبعیت از حقوقدان‌هایی مثل موريس هوريو حقوق اساسی را شاخه‌ای از حقوق می‌دانستند که به «مطالعه روش کسب، اعمال و انتقال قدرت»^۲ می‌پردازد. اکثر حقوقدان‌ها و نویسندگان ایرانی نیز چنین تعریفی از حقوق اساسی داشته یا دارند. مثلاً، مرحوم محمد علی فروغی (ذکاء الملک) در کتاب «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» حقوق اساسی را شعبه‌ای از حقوق داخلی عمومی می‌داند که «اساس دولت را معین می‌کند و حدود آن را تحدید می‌نماید... به عبارت دیگر حقوق اساسی یا قانون اساسی شعبه‌ای است از حقوق داخلی که شکل دولت و اعضای ریسه آن را تعیین می‌کند و اندازه اختیارات ایشان را نسبت به افراد ناس معلوم می‌نماید».^۳ حقوقدان متأخری چون دکتر جعفر بوشهری نیز با اندکی تفاوت، تعریف مشابهی را ارائه می‌دهد: «حقوق اساسی مجموعه اصول و قواعدی است که روابط حکومت را با مردم و همچنین اقتدارات و وظایف و مسؤولیت‌های دستگاه‌های سه‌گانه قانونگذاری، اجرایی و قضایی و صاحبان مقامات عمده حکومت و ارتباط میان آن‌ها را معلوم و معین می‌کند. برجسته‌ترین بخش این تعریف یکی روابط حکومت با مردم است و دیگری ارتباط دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی و قضایی که بر پایه اصل تفکیک قوا استوار می‌باشد».^۴

نگرش نهادگرایانه به حقوق اساسی در کشورهای دیگر چون فرانسه رواج فراوان داشته است. غلبه این نگرش در طول سالیان متمادی باعث نزدیکی بیش از پیش این رشته از علم

۱- مگر جی علی‌اکبر، مبانی حقوق عمومی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸، صص. ۱ و ۲۴.

2- «La manière dont le pouvoir s'acquiert, s'exerce et se transmet». Voir FAVOREU (L.), «Le droit constitutionnel, droit de la Constitution et constitution du droit», Revue française de Droit constitutionnel, 1990, 1, pp. 71-89. Voy. aussi FAVOREU (L.) et autres, Droit constitutionnel, Dalloz, 3^e éd., 2000, p. 5.

۳- فروغی، محمدعلی، حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، انتشارات کویر، چاپ جدید به کوشش علی‌اصغر حقدار، ۱۳۸۲، ص. ۲۸.

۴- بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج. ۱، ۱۳۸۴، ص. ۲۰.

حقوق به علوم سیاسی شده است. مارسل پریلو^۱ و موریس هوریو^۲ را می‌توان از پیشگامان نگرش نهادی دانست.

اما، حقوق اساسی، به‌رغم تأکید و تمرکز اولیه بر فنون حکمرانی و مدیریت، نمی‌تواند نسبت به مبانی انسان‌شناختی و اخلاقی خود غفلت ورزد. اخلاقی حقوق اساسی اخلاقی آزادی‌گرا، حق‌مدار، عدالت‌جو و کرامت‌محور است. بنابراین، در حقوق اساسی نوین گرچه نهادهای سیاسی و هنجارهای حقوقی از اصلی‌ترین مباحث به شمار می‌روند، اما جهت‌گیری راهبردی آن به سمت تعبیه نظام آزادی‌هاست.

نظریه کلاسیک حقوق اساسی بیشتر در پی کشف راز و رمزهای حقوق نوشته و اراده رسمی قوه بنیانگذار بوده است. حقوق نوشته بیشتر به دنبال ارزش‌های رسمی و اعلام شده است^۳ و در بسیاری از موارد واقعیت‌های حاکم بر مناسبات اجتماعی-سیاسی را نادیده می‌انگارد. در حالی که حقوق ناوخته حقوق مجراست، حقوق زنده‌ای است که در عمل جریان دارد. پس از این منظر، می‌توان گفت، حقوق اساسی کنونی حقوقی واقع‌گراست و تأکید آن بر مطالعات رویه‌ای نیز از همین خاستگاه نشأت می‌گیرد.

حقوق اساسی معاصر می‌کوشد تا واقعیت‌های عینی قدرت و حکمرانی را مورد تحلیل و نقادی قرار دهد. اگر دیروز در نوشته‌های حقوق‌دان‌های عمومی ایران اثری از نقد رویه‌های قضایی^۴ و کنش‌های سیاسی نبود امروز پاره‌ای از حقوق‌دان‌ها تلاش می‌کنند تا سیاست را از منظر حقوق به تحلیل بنشینند. حقوق اساسی واقع‌گرا را باید در دهلیزهای تودرتوی قدرت به نظاره نشست، نه در لابه‌لای نوشته‌هایی که فهم آن‌ها گاه برای خود نویسنده نیز دشوار است. حقوق اساسی مدرن حقوق تفسیری، تکاملی و متحول است. به دیگر سخن، شناخت دقیق حقوق اساسی بدون شناخت واقعیت‌های عرصه سیاست امکان‌پذیر نمی‌باشد. از این‌رو، برای شناخت حقوق اساسی یک کشور، تنها نمی‌توان به مطالعه قوانین حاکم بر

1- Marcel Prelot

2- Maurice Hauriou

۳- این ارزش‌ها بویژه در ام القواعد یعنی قانون اساسی تبلور می‌یابد.

۴- بویژه نقد آرای شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری، دیوان محاسبات.

آن اکتفا کرد. برای شناخت عمیق‌تر حقوق اساسی در یک جامعه باید به قواعد حقوقیِ نانوشته، آداب، عادت‌ها، عرف‌ها و رویه‌های حقوقی و سیاسی نیز مراجعه کرد. برای شناخت دقیق‌تر حقوق اساسی باید از فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی (فلسفه، اندیشه و تاریخ سیاسی) و حتی ریاضیات (شیوه‌های رأی‌گیری و محاسبه آرا) یک جامعه باید بهره گرفت. حقوق اساسی ایران در حال حاضر در حالت انقطاع تاریخی و انزوای جهانی به سر می‌برد، زیرا از یک سو، ارتباطی با گذشته دور و دراز و پرافتخار خویش برقرار نکرده است^۱ و از سوی دیگر، هیچ حضوری در عرصه‌های اندیشه جهانی ندارد^۲. به هر روی، یکی از راهکارهایی که می‌تواند در درمان آسیب‌های یادشده موثر باشد، توجه نقادانه به آثار پیشگامان عرصه اندیشه‌های حقوقی است.

دکتر قاسم قاسم‌زاده (۱۳۳۸-۱۳۶۷) را، به حق، می‌توان از پیشگامان حقوق اساسی در ایران دانست. نام او در شمار نخستین اساتید دانشکده حقوق دانشگاه تهران به ثبت رسیده است^۳. کتاب

- ۱- کم‌توجهی به درس‌های تاریخ حقوق و نبود چنین رشته مستقلی در دانشکده‌های حقوق ایران را می‌توان نشانه این امر دانست.
- ۲- یکی از اهداف تأسیس نشریه حقوق اساسی در ایران و انتشار آن به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، ستیز با این انزوای جهانی بوده است. اما، متأسفانه باید اعتراف کرد، به رغم تلاش‌های فراوان، به دلیل فقدان حمایت‌های مادی و معنوی لازم از طرف متولیان امر، هنوز توفیق چندانی در این زمینه به دست نیاورده‌ایم. گرچه همین حضور کم‌رنگ هم اثبات‌کننده توانایی‌های بالقوه حقوق‌دانان ایرانی است.
- ۳- در کنار نام‌هایی چون دکتر کریم سنجابی، دکتر سید علی شایگان (حقوق مدنی)، دکتر کریم سنجابی (حقوق اداری، سیاست اقتصادی ایران)، دکتر احمد متین‌دفتری (اصول محاکمات جزایی و جامعه ملل)، آقای محمدباقر آیت‌الله‌زاده (فقه)، شیخ محمد سنگلجی (فقه و اصول)، محمود بدر (قوانین عالی)، شیخ محمد عبده (اصول محاکمات حقوقی)، دکتر آلکساندر آقایان (حقوق جزا و بیمه)، دکتر سید حسن امامی (تاریخ عمومی و حقوق ثبت اسناد)، دکتر تقی نصر (تاریخ حقوق ایران و اقتصاد)، دکتر ژان فونتانا "افسر لژیون دونور و معلم مدرسه تجارت پاریس" (حقوق رم و حقوق مدنی تطبیقی)، دکتر ژرمن گیلد براند (زبان روسی و محاسبات عمومی)، جواد خان عامری (حقوق تجاری و حقوق بین‌المللی خصوصی)، محمد مظاهر "صدیق حضرت" (حقوق بین‌الملل عمومی و مالیه) و سیدمصطفی عدل (منصور السلطنه).

حقوق اساسی او^۱ نیز از جمله نخستین کتاب‌های دانشگاهی و آکادمیک است که سال‌هایتمادی در دانشکده حقوق^۲ دانشگاه تهران تدریس شده و درس‌آموز تشنه‌گان علم و فضیلت بوده است. دکتر قاسم‌زاده در آموزش حقوق اساسی در ایران نقش بی‌بدیلی بازی کرده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت بسیاری از حقوق‌دان‌های نسل اول ایرانی حقوق اساسی را از دکتر قاسم‌زاده آموخته‌اند.

دکتر قاسم‌زاده به رغم اینکه در باکو به دنیا آمده بود و تحصیلات خود را در سن پترزبورگ یا پاریس انجام داده بود، در جای‌جای این کتاب اشتیاق و دلبستگی خود را به فرهنگ و تمدن ایرانی ابراز می‌دارد. از دیگر گرایش‌های فکری که دکتر قاسم‌زاده در این کتاب دلبستگی خود را به آن نشان می‌دهد مسأله عدالت و دموکراسی است. دغدغه عدالت‌خواهی نویسنده را می‌توان در فرازهایی مانند فراز زیر مشاهده کرد: «در بعضی کشورها از جمله در انگلستان و فرانسه نامزدهای وکالت و یا احزاب سیاسی که آن‌ها را معرفی می‌کنند ملزم و مکلف‌اند مبلغی به رسم ودیعه به خزانه دولت بپردازند و این مبلغ در صورتی مسترد می‌گردد که صاحب آن به وکالت انتخاب شود و یا قسمت معینی از مجموع آرا را دارا باشد. و اما به نظر مؤلف با اوضاع و احوال کنونی اجرای ترتیب مزبور در ایران صلاح و مقتضی نیست چه سپردن ودیعه، وکالت را به طبقه پولدار اختصاص داده و اشخاصی را که چیزدار نیستند از حق انتخاب شدن محروم خواهد نمود مضافاً به اینکه در کشورهای دیگر که احزاب سیاسی مرتب و منظمی وجود دارد سپرده‌ان صندوق احزاب و نه از جیب نامزدهای وکالت داده می‌شود و چون در ایران احزاب متشکله وجود خارجی ندارد و کلاهی مجلس غالباً بدون دخالت احزاب سیاسی انتخاب می‌شوند ودیعه را نامزدهای نمایندگی و نه احزاب سیاسی خواهند پرداخت»^۳.

نویسنده در جای دیگری با اشاره به لزوم تحول در نظام انتخاباتی کشور چنین بیان

۱- افزون بر این کتاب، از دکتر قاسم‌زاده کتاب‌های دیگری مانند «روسیه و داردانل به زبان روسی» و «حقوق اساسی فرانسه» نیز برجای مانده است.

۲- که به عنوان دومین دانشکده دانشگاه تهران و پس از دانشکده طب، به این دانشگاه پیوسته بود.

۳- ص. ۴۴۶ همین کتاب.

می‌کند: «برای اینکه تمام طبقات مردم بتوانند از حق رأی بهره‌مند گردند بهتر است که بجای انتخابات به اکثریت آرا سیستم انتخابات تناسبی در ایران معمول گردد و برای رسیدن به این مقصود لازم خواهد شد که حوزه‌های کنونی از بین رفته و حوزه‌های وسیع‌تری ایجاد شود. بدیهی است که اجرای این ترتیب بدون وجود احزاب متشکله بی‌مورد و بی‌جا خواهد بود»^۱. می‌دانیم که نظام‌های انتخاباتی تناسبی بیشتر دغدغه عدالت محوری دارند.

دکتر قاسم‌زاده در مواردی به روشنی به ضرورت انجام اصلاحات مردم‌سالارانه در نظام سیاسی و قانون اساسی مشروطه اشاره می‌کند. او به درستی به مشکلات مردم‌سالارانه نظام طاغوتی وقت پی برده و صراحتاً به «لزوم تجدیدنظر در قانون انتخابات» و «تواضع قانون اساسی ایران و لزوم تجدیدنظر در بعضی از اصول» آن اشاره می‌کند. از نظر وی باید قانون جدیدی تصویب شود تا «نسبت پارامای از مأمورین ناپاک و نادرست و ملاکین و متنفذین را از دامن مردم کوتاه ساخته و آنان را در دادن رأی و انتخاب نماینده آزاد گذارد و برای تأمین این منظور شایسته است»^۲.

از دیدگاه نویسنده، قانون اساسی هر کشور باید ویژگی‌های چندی داشته باشد تا بتواند در عمل به کارآمدی منتهی شود: «قانون اساسی باید روی یک عده اصول کلی از قبیل اصل حاکمیت ملی و تفکیک مطلق یا نسبی قوای ثلاثه قرار گرفته و مواد مختلف آن نتیجه منطقی اصول مزبور باشد». «قانون اساسی هیچ کشوری نباید صرفاً تقلید از قوانین اساسی کشورهای بیگانه باشد بلکه باید با اوضاع سیاسی و اقتصادی و سوابق تاریخی کشور و درجه تمدن و بالاخص رشد اجتماعی مردم آن مطابقت داشته باشد»، «اما متأسفانه قانون اساسی ایران و متمم آن واجد اصول و قواعد مذکور نبوده و اکثر مواد آن تقلید از قوانین اساسی کشورهای بیگانه خاصه قانون اساسی مورخ ۱۸۳۱ بلژیک می‌باشد»^۳.

۱- همان، ص ۴۴۷.

۲- ص ۴۴۵ همین کتاب.

۳- همان، ص ۴۹۵.

همین مطالب، به خوبی نشانگر غنای علمی کتاب پیش رو می‌باشد. این کتاب برای خوانندگان امروزی، بویژه دانشجویان و پژوهشگران عزیز از ابعاد گوناگونی دارای اهمیت است. نخست اینکه بسیاری از مباحث کتاب، بویژه قسمت اول آن (حقوق اساسی عمومی) هنوز از قوت علمی و قابل دفاعی برخوردار است و با توجه به سادگی و شیوایی قلم می‌تواند در کلاس‌های حقوق اساسی مورد توجه قرار گیرد. دوم اینکه، گرچه پاره‌ای از داده‌های علمی موجود در قسمت‌های دوم (حقوق اساسی بعضی ممالک^۱) و سوم (حقوق اساسی ایران^۲) کتاب در گذر زمان تحول یافته و هم‌اکنون، از منظر حقوق موضوعه، قابلیت استناد خود را از دست داده‌اند، اما همین مطالب نیز از ارزش تاریخی بسیار بالایی برخوردار است و می‌توان آن‌ها را به عنوان منابعی برای تاریخ حقوق اساسی جهان و ایران در نظر گرفت و در کلاس‌های تاریخ حقوق عمومی از آن‌ها بهره جست.

در مجموع، با توجه به اهمیت علمی و تاریخی کتاب حقوق اساسی و نقشی که این کتاب در پرورش ذهنیت حقوق اساسی دانشجویان ایرانی داشته است، چاپ مجدد آن می‌تواند اسباب مقایسه طراز دانش کنونی حقوق اساسی را با حقوق اساسی ۵۰ سال گذشته فراهم سازد.

و انگهی، بیان نقاط قوت فوق، به معنای این نیست که کتاب مورد بحث عاری از هرگونه نقص و عیبی است، اما در مقایسه با کتاب‌های هم عصر خویش کتاب مهمی به شمار می‌رود. یکی از نقاط ضعف اساسی کتاب بی‌توجهی به روش تحقیق علمی است. دسته‌بندی نامناسب برخی از مطالب و عدم ذکر منابع و ارجاعات در پاورقی یا آخر کتاب را می‌توان از مهمترین نواقص کتاب دانست. از این‌رو، متن اصلی کتاب فاقد هرگونه منبع مشخصی است. ظاهراً در آن زمان هنوز شیوه‌های ارجاع‌دهی و روش تحقیق چندان جدی گرفته نمی‌شده است. با این وجود، متن کتاب گویای آن است که نویسنده، با جهد و کوشش فراوان، آثار متعدد و گوناگون ایرانی و خارجی را برای نگارش این کتاب مطالعه کرده است و حتی در

۱- حقوق اساسی تطبیقی

۲- حقوق اساسی اختصاصی

مواردی به فراخور بحث در داخل متن به صورت گذرا به نام کتاب یا نویسنده آن اشاره می‌کند. نکته دیگر اینکه، فهرست تفصیلی ناقصی در پایان متن اصلی کتاب گنجانده شده است، اما این متن فاقد فهرست اختصاری است. از همین‌رو، فهرست تفصیلی اصلاح شد و فهرست کوتاهی نیز به ابتدای کتاب افزوده شد.

در پایان، یادآور می‌شود که هدف اصلی از تصحیح، ویرایش و بازچاپ این کتاب تقویت فرایند پیوستگی و تداوم علمی و سنت اندیشه‌ورزی است. متأسفانه مطالعات و آموزه‌های حقوقی در ایران دچار گونه‌ای از گسست علمی و تاریخی شده است. امید است چاپ مجدد این کتاب بتواند آغازی نو در مسیر توجه به انباشته‌های حقوقی، علمی و تاریخی کهن مرز و بوم ما ایران باشد، زیرا هیچ ملتی نمی‌تواند با نفی گذشته و انقطاع تاریخی به قله‌های دانش و تمدن دست یابد.

از همه عزیزانی که در راه احیای این سنت حسنه، صادقانه و بی‌هیچ چشم‌داشتی یاریگر من بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از همراهی و همدلی مدیر و کارکنان محترم انتشارات جنگل، بویژه جناب آقای امین لشکری، در تایپ، حروف‌چینی و صفحه‌آرایی دوباره کتاب قدردانی می‌کنم. بی‌تردید، کمک‌ها و دقت‌نظرهای جناب آقای فرهاد طهماسبی، دانش‌آموخته رشته حقوق عمومی، در ویراستاری کتاب و اضافه کردن برخی از منابع جدید به آن غیرقابل چشم‌پوشی است. از مساعدت دانشجویان فرهیخته حقوق عمومی، از جمله سرکار خانم سیما شهنساری و مریم ولدان در تصحیح بخش‌هایی از کتاب نیز بی‌نهایت سپاسگزارم.

علی‌اکبر گرجی از ندریانی

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تهران، ۱۸ مردادماه ۱۳۹۰

دیباچه نویسنده بر چاپ ششم کتاب

کتابی که به نظر شما خوانندگان محترم می‌رسد مشتمل بر سه قسمت ذیل است:

قسمت اول بحث در کلیات از قبیل مبدا و منشأ دولت و تشریح ارکان سه‌گانه آن، بیان اشکال و اقسام دولت‌ها، اصل تفکیک قوا و تشریح قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و بالاخره بیان و شرح حقوقی که قوانین اساسی ممالک آزاد برای افراد مردم قایل شده و مصادر امور را به رعایت و احترام آن ملزم می‌نمایند.

قسمت دوم به بحث در حقوق اساسی بعضی از کشورهای جهان که دارای رژیم سیاسی و حکومت مختلف می‌باشند (بریتانیای کبیر، بلژیک، فرانسه، ترکیه، اتحاد جماهیر شوروی، ممالک متحده آمریکای شمالی و سوییس) اختصاص داده شده زیرا آشنایی به اصول و مبانی حقوق اساسی ممالک مزبور که هر کدام دارای تشکیلات خاصی می‌باشند برای عموم مطالعه‌کنندگان بالاخص دانشجویان حقوق لازم و ضروری است.

قسمت سوم این کتاب اختصاص به ایران دارد و از آنجا که برای دانشجویان مراجعه به منابع حقوق اساسی ایران که اهم آن‌ها قانون اساسی و متمم آن و همچنین قوانین انتخابات مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌باشد کمال لزوم و ضرورت را دارد اینک به منظور مراعات حال آنان که محتاج به پیدا کردن قوانین مزبور در خارج نباشند، آن قوانین را به‌طور ضمیمه در آخر این کتاب اضافه کرده تا در موقع لازم نیازمندی دانشجویان و مطالعه‌کنندگان رفع شود.

در پایان لزوماً تذکر می‌دهد اگرچه در جرح و تعدیل مطالب جهد کافی به عمل آورده شده ولی باز هم آن را خالی از نقص نمی‌دانم، زیرا این کتاب خلاصه‌ای از دروس حقوق اساسی است و در حقیقت کتاب درسی می‌باشد و برای اینکه به میزان کتاب افزوده نشود و رعایت برنامه دانشکده حقوق هم شده باشد، در تمام قسمت‌ها به اختصار کوشیده شده زیرا در غیر این صورت هر قسمتی از آن بخش مفصل و کتابی جداگانه لازم داشت.

دکتر قاسم‌زاده

اردیبهشت ۱۳۳۴

فهرست کوتاه

پیش‌گفتار دکتر علی‌اکبر گرجی آزتدریانی		ا
دیباچه نویسنده بر چاپ ششم کتاب		ط

قسمت اول: کلیات حقوق اساسی

فصل اول: تقسیمات حقوق - موضوع حقوق اساسی		۳
فصل دوم: منابع حقوق اساسی		۱۱
فصل سوم: پیدایش دولت		۲۳
فصل چهارم: تعریف دولت و ارکان سه‌گانه آن		۳۷
فصل پنجم: اقسام مختلف دولت		۶۹
فصل ششم: سلطنت و جمهوریت		۱۳۱
فصل هفتم: نظریه تفکیک قوا		۱۴۵
فصل هشتم: قوه قانون‌گذاری		۱۵۹
فصل نهم: نحوه شکل‌گیری مجالس		۲۰۵
فصل دهم: وظایف قوه مقننه		۲۱۷
فصل یازدهم: قوه مجریه		۲۲۹
فصل دوازدهم: قوه قضائیه		۲۴۹
فصل سیزدهم: حقوق بشر		۲۵۳
فصل چهاردهم: تجدیدنظر در قانون اساسی		۲۷۱
فصل پانزدهم: تشخیص مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی		۲۷۵

قسمت دوم: حقوق اساسی بعضی ممالک

فصل اول: بریتانیای کبیر		۲۸۳
فصل دوم: بلژیک		۳۰۱
فصل سوم: فرانسه		۳۱۱
فصل چهارم: ترکیه		۳۳۹
فصل پنجم: حقوق اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی		۳۵۵
فصل ششم: کشورهای متحده آمریکای شمالی		۳۷۷
فصل هفتم: سوئیس		۳۹۳

قسمت سوم: حقوق اساسی ایران

فصل اول: تاریخ اجمالی مشروطیت ایران.....	۴۰۹
فصل دوم: شاه.....	۴۱۹
فصل سوم: وزرا.....	۴۲۷
فصل چهارم: انتخابات مجالس مقننه.....	۴۳۱
فصل پنجم: وظایف مجلس شورای ملی و مجلس سنا.....	۴۵۷
فصل ششم: نظام نامه های داخلی مجالس مقننه.....	۴۶۹
فصل هفتم: طریقه تجدیدنظر در قانون اساسی ایران.....	۴۹۱
فصل هشتم: نواقض قانون اساسی ایران و متمم آن و لزوم تجدیدنظر.....	۴۹۵
فهرست تفصیلی مندرجات.....	۵۵۷